

سال ۱۳۸۸ سال فردوسی

فریدون جنیدی



Bonyäde Neyshabou
Organization sur la Recherche
la Culture en IRAN

گروهی از ایرانیان شتاب دارند تا سال آینده ۱۳۸۷ را برای بزرگداشت فردوسی و شاهنامه ویژه کنند.

بنیاد نیشابور از دو دیده، سال ۱۳۸۸ را برای چنین کار پیشنهاد می‌کند.

۱- سال ۱۳۸۷ خورشیدی خیام - کمابیش برابر با سال ۲۰۰۸ میلادی - از سوی تاجیکستان برای بزرگداشت رودکی سراینده بزرگ پارسی‌گوی پیشنهاد شده و سازمان جهانی یونسکو نیز آنرا پذیرفته و در برنامه خویش گنجانده است، و از دو سال پیش برای برگزاری جشن‌های ویژه آن در تاجیکستان - دوشنبه و رودک زادگاه رودکی برنامه فراهم شده است، و دور نیست که فرهنگیان ایران را آرزوی هموندی در آن جشن‌ها باشد، پس بهم آمیختن دو بزرگداشت برای دو پایه‌گذار سرود و زبان و فرهنگ و آوازه ایران درست نمی‌نماید.

۲- در این گمان نمانده است که فردوسی خود، سال چهارسد هجری (ماهشمار) را سال پایان یافتن شاهنامه خوانده است:

| | |
|-------------------------|---------------------------|
| سرامد کنون قصه یزدگرد | بم‌ماه سپندارمذ، روز ارد |
| ز هجرت شده پنج هشتادبار | که پیوستم این نامه نامدار |

پیدا است که در ایران باستان هر روز را نامی بوده است، چنانکه نام روز نخست هر ماه اهورامزدا = اورمزد و نام روز دوم بهمن، سه و روز شانزدهم مهر، و اینچنین نام روز بیست و پنجم ماه روز «ارد» نامیده می‌شد که در زبان پهلوی «آرت» **سرم**، و در زبان اوستایی آشی و نگوهی **و اردوسر** **دوسر** خوانده می‌شد.

ماه‌ها در گاهشماری ایران باستان همه سی روزه بوده‌اند، دوازده سی روز برابر با سیسدوشست روز، که پنج روز گهنبار فروهران را در پایان سال بدان می‌افزودند. چون بر بنیاد آمار و شمار، در اخترماری خیام شش ماه نخست سال، هر یک را برابر سی و یک روز گرفتند، روز بیست و پنجم اسفندماه باستانی، برابر با روز نوزدهم اسفندماه خیامی است. اما سال ماهشمار، در هر سال، یازده روز کمتر از سال خورشیدی است که در ۴۰۰ سال برابر با ۴۴۰۰ روز می‌شود.

اگر این شمار روز را بر ۳۶۵ بخش کنیم، برابر می‌شود با ۱۲ سال و ۲۰ روز خورشیدی، و چون ۱۲ سال را از ۴۰۰ کم کنیم برابر است با سال ۳۸۸ خورشیدی و بر این بنیاد، شاهنامه فردوسی در سال ۳۸۸ خورشیدی پایان رسیده است، و سال ۱۳۸۸ هزارمین سال پایان یافتن شاهنامه است؛ بسال خورشیدی! و چنین سال شایسته‌ترین سال است برای بزرگداشت پهلوان میدان خرد و

فرهنگ، روان بیدار و جان تبار کشور آریایی «فردوسی» و شایسته‌ترین زمان است، برای بزرگداشت درفش همواره برافراشته دانش و فرهنگ و جهانی‌بینی ایرانیان، شاهنامه فردوسی... اما بر رهروان خردمند میدان فرهنگ ایران پوشیده نیست که نگارنده این نامه از سال ۱۳۵۵ خیامی تا سال ۱۳۸۵ خیامی بر سر ویرایش شاهنامه فردوسی جان و نیرو نهاده است، و از آغاز سال ۱۳۸۶ نیز پیشگفتاری بزرگ فراهم شده است، که امیدواریم بتوانیم آنرا در سال ۱۳۸۷ بچاپ رسانده به ایرانیان فرهیخته جان و روان بر پای ایران ریخته پیشکش نماییم.

خواندن آن پیشگفتار و نیز گزارش رج‌برج شاهنامه که سخنان فردوسی را از گفتارهای نادرخور افزاینده می‌پیراید، راهی است برای شناسایی هرچه بیشتر این یادگار باشکوه که رهاورد اندیشه و فرهنگ و خرد هزاران ساله نیاکان بزرگوار ما است، تا با شناختی که از مغز گفتارهای نغز فردوسی دست می‌دهد، به زندگی شگفت و جهان‌بینی و جهان‌بانی آن نیاکان ارجمند ره بریم، تا چسان، هزاران سال، کشور خویش را چون تخت جهان پایتخت جهان آراستند، و روان و اندیشه و اندریافت را از هر کژی و بدی بپیراستند... درفش همواره سرافراز فرهنگ خویش را بر بلندای دماوند و سبلان و پامیر برافراشتند چنانکه هر سپیده‌دمان، پرتو مهر بامدادین، بر آن درخش می‌افکند، و نیروی اندروای زبردست؛ چین‌برچین آن می‌افزاید، تا همواره سرافراز؛ جان و نیرو و خرد و بینش به جهانیان بخشد، و راه رسیدن به مهر و راستی و پیمان را به رهروان این راه دراز آهنگ بنمایاند.

شاد زیوید

پاک زیوید

با کارنامه اندیشه نیاکان زیوید

بنیاد نیشابور

فریدون جنیدی

بهمن ماه ۱۳۸۶